

نگاهی به اهمیت ساخت فیلم بیوگرافی

شخصیت‌هایی که روی پرده جان می‌گیرند



در پرداختن به شخصیت‌های تعیین‌کننده داریم، به سراغ تصویری‌کردن قصه برخی شخصیت‌ها رفتیم.

او ادامه داد: «به نظرم یک چالش مهم در فیلم‌های بیوگرافی وجود دارد و آن دراماتیزه‌کردن یک زندگی واقعی با تکیه بر نقاط اوجی است که شخصیت مدنظر زندگی کرده است. جذابیت فیلم‌های بیوگرافی به این است که اوج و فرود در کنار هم نشان داده شود. همین اوج و فرودهاست که از شخصیت یک قهرمان زمینی می‌سازد و مخاطب را اترغیب می‌کند تا خودش را در قالب آن قهرمان تصور کند. شخصیت مدنظر را با همه نقاط ضعف و قدرت روی پرده سینما ببیند و چه‌بسا خودش انگیزه‌های پیدا کند که در اندازه و توانی که دارد، فرد تعیین‌کننده‌ای شود.»

عصرآزاد در بخش دیگری از صحبت‌هایش به چالش‌های ساخت فیلم بیوگرافی در سینمای ایران اشاره کرد و گفت: «ما در انتخاب افراد برای ساخت فیلمی براساس زندگی واقعی آنها در گیرودار ممیزی و سانسور هستیم. دومین نکته هم این است که حتی وقتی قرار است به قصه زندگی فردی بپردازیم، متأسفانه دراماتیزه‌کردن قصه در برخی مواقع به سمت تحریف می‌رود؛ یعنی گاهی بر حسب خوانشگی که دوست داریم و در راستای ایدئولوژی و اندیشه یا تفکری که قصد تبلیغ آن را داریم، حرکت می‌کنیم و تنها همان را نشان می‌دهیم. از این نظر است که مثلا حتی فیلم‌هایی که درباره قهرمان‌های معاصر ساخته می‌شود، خیلی وقت‌ها باعث انتقاد و اعتراض خانواده‌های آنها می‌شود یا حتی باعث می‌شود مردمی که اخبار و زندگی افراد برجسته را به شکل هرروزه و ارتباط شخصی دنبال می‌کنند، خودشان منتقد این باشند که چرا این زندگی‌نامه این‌قدر تک‌بعدی است؟ چرا به سوبه‌های دیگر زندگی آن فرد پرداخته نشده که در قالب یک آدم چندوجهی به آن نگاه کنیم؛ به‌همین‌خاطر فکر می‌کنم چالش‌های فیلم زندگی‌نامه‌ای به جز چالش‌هایی که به صورت بالقوه در سینمای ما وجود دارد، بخش عظیمی هم به آن اضافه شده که درگیر آن بایدها و نبایدهای نگاه مدیران و مسئولان و نگاه فرمایشی است که به نظرم همین باعث شده از آن ذات جذاب خودش فاصله بگیرد و دور شود. چه‌با زندگی واقعی آدم‌هایی که حتی ما راجع به آنها فقط کتاب خوانده‌ایم، وقتی در تصویر می‌بینیم، تفاوت‌های آشکاری وجود دارد.»

منوچهر اکبرلو، کارشناس تئاتر و سینما، معتقد است

حضور پرتعداد این آثار در جشنواره‌ای که پشت سر گذاشتیم، روبه‌رو شدیم؟

سحر عصرآزاد، سینمایی‌نویس و منتقد سینما، در این زمینه به «شرق» گفت: «به نظرم اگر بخواهیم به گونه، ژانر یا رویکرد ساخت فیلم‌های بیوگرافی و زندگی‌نامه‌ای از افراد شناخته‌شده در هر کشور یا جامعه در دوره‌های گذشته و حال بپردازیم، معتقدم که این روند برگرفته از آن چیزی است که در سینمای جهان هم راه افتاده. حتی اگر تصور کنیم یک موج است، به نظرم این از آن موج‌های خوبی است که باعث شد سینما به جهت فیلم‌نامه و سناریو بیش‌ازپیش وامدار واقعیّت شخصیت‌ها و رویدادهای واقعی شود. به‌اضافه اینکه به نظرم جهان به سمتی می‌رود که به جز فیلم‌های قهرمانی کلاسیک و فیلم‌های ابرقهرمانی، حالا به قهرمان جدیدی نیاز دارد و مخاطب هم بپذیری قهرمان‌های واقعی است که برگرفته از جامعه و جهان اطراف‌شان است.»

او در بخش دیگری از صحبت‌هایش گفت: «تصویر این قهرمان‌های واقعی در زمان‌های گذشته یا نزدیک‌تر خیلی مهم نیست، به نظرم وجود زمینه واقعی برای روایت فیلم تعیین‌کننده‌تر است. مخاطب می‌خواهد با آدم‌های واقعی روبه‌رو شود؛ آدم‌هایی که در زندگی موفق بودند، اشتباه کردند، زمین خوردند و بلند شدند. به هر شکل مسیری را طی کردند و خط زندگی آنها ارزش این را پیدا کرده که در یک فیلم به آن پرداخته شود. به نظرم این مهم‌ترین چیزی است که در سینمای جهان اتفاق افتاد و حالا سینمای هر کشوری به فراخور اینکه چقدر از این شخصیت‌های دراماتیک در سرزمینش دارد، رویکرد ساخت فیلم بیوگرافی را پیش گرفت و ساخت و هنوز هم می‌بینم این روند همچنان پررنگ است، حتی فکر می‌کنم به خاطر آماری اگر دقیق‌تر نگاه کنیم، هم به جهت کمی و هم کیفی فیلم‌های زیادی در سینمای جهان را به خودش اختصاص داده است و هر سال تولید فیلم بیوگرافی که براساس داستان زندگی آدم‌های واقعی که در حوزه‌های مختلف ساخته می‌شود، فراوان است.»

عصرآزاد درباره رویکرد سینمای ایران در ساخت فیلم بیوگرافی توضیح داد: «در سینمای ایران می‌توان بازخوردی از سینمای جهان را دید. سینمای ما با وجود همه جهت‌های معوبی که دارد، به سراغ فیلم بیوگرافی از شخصیت‌های واقعی رفت و حالا ما متناسب با مدل سینما و جغرافیا، آدم‌ها و تاریخ معاصرمان و البته ممیزی‌ها و بایدها و نبایدهایی که



بهناز شیرینایی

بی‌تردید فیلم بیوگرافی گونه سینمایی پرخطابی در تمام دنیااست. «اوپنهایمر» ساخته کریستوفر نولان که برگرفته از زندگی جی. رابرت اوپنهایمر، فیزیک‌دان نظری آمریکایی، است که به‌عنوان «پدر بمب اتمی» شناخته می‌شود، از جمله فیلم‌هایی است که توانست گیشه موفقی در تمام دنیا داشته باشد. یا فیلم «تاز» که در آن کیت بلانشت نقش نخستین رهبر ارکستر زن تاریخ آلمان را ایفا کرد. این آثار از نمونه‌های اخیر فیلم بیوگرافی‌های ساخته‌شده با گیشه‌های پرخطاب هستند. «بیانیت»، «ذهن زیبا»، «گاو خشمگین»، «سخنرانی پادشاه»، «لینکلن» و ده‌ها عنوان فیلم‌های موفق دیگری که گیشه جهانی داشته‌اند، در این گونه سینمایی ساخته شده‌اند. در سینمای ایران هم تلاش‌هایی برای ساخت فیلم بیوگرافی انجام شده و برخی از این فیلم‌ها توجه مخاطب ایرانی را جلب کرده‌اند. «غلامرضا تختی»، «ایستاده در غبار»، «موقعیت مهدی»، «حاجی واشنگتن» و «کمال‌الملک» ازجمله تلاش‌های سینماگران آثاری برای تصویر چهره‌های تاریخ معاصر ایرانی در آثارشان است. امسال در چهل‌ودومین جشنواره فیلم فجر هم تلاش‌هایی برای بُت چهره‌ها در گونه فیلم بیوگرافی انجام شد و قطعا از این نظر می‌توان این دوره جشنواره فیلم فجر را رکورددار ساخت فیلم بیوگرافی توصیف کرد. «پرویز خان» روایتی از زندگی پرویز دهداری، سرمرعی قعد فوتبال در دهه ۶۰، «احمد» که روایتی است از ۱۸ ساعت ابتدایی حادثه زلزله بم و حضور شهید احمد کاظمی در بحران زلزله، «آسمان غرب» روایتی از زندگی شهید شیرودی، «معجزه پروین» روایتی از زندگی پروین اعتصامی، «مجنون» روایتی از زندگی مهدی زین‌الدین و برادرش مجید که در جریان جنگ ایران و عراق با راهبری لشکر ۱۷ علی بن ابی‌طالب بخشی از عملیات خیبر را در جزیره مجنون پیش بردند، «صبح اعدام» روایتی است از ساعات پایانی زندگی طیب حاج‌رضایی و اسماعیل رضایی، ازجمله فیلم‌های این دوره جشنواره فیلم فجر با رویکرد فیلم بیوگرافی بودند؛ اما رویکردهای ساخت فیلم بیوگرافی دقیقا چیست و چرا با

نگاهی به آثار به نمایش درآمده چهل‌ودومین جشنواره فیلم فجر

ازداعش‌های عقب‌مانده تا زرافه‌های بی‌قواره

کمال پورکوه: چهل‌ودومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر در حالی به پایان رسید که بنا بر عقیده برخی از منتقدان و علاقه‌مندان سینما، یکی از نامیدکننده‌ترین و کسالت‌بارترین دوره‌های خود را از لحاظ کیفیت آثاری به نمایش درآمده پشت سر گذاشت. گرچه با

اعلام اسامی فیلم‌های راه‌یافته به جشنواره امسال، بسیاری از مخاطبان جدی سینما در مواجهه با نام‌های ناآشنا و کمترشناخته‌شده، نسبت به کیفیت چهل‌ودومین جشنواره فیلم فجر ابراز شک و تردید می‌کردند، اما باز هم این امید وجود داشت که در میان کارگردان‌های فیلم‌اولی شاید بتوان به استعدادهایی هم‌پا با محمدحسین مهدویان و سعید روستایی برخورد کرد تا به روال هر سال شاهد ظهور فیلم یا فیلم‌سازی باشیم که در میان تعداد بالای آثار به نمایش درآمده، جایگاه متفاوت و درخور اعتنایی را در ذهن تماشاگران به‌جا گذارد. بااین‌حال، جشنواره امسال چنان آثار بی‌رقمی را در دل خود جای داده بود که اندک تلاش چند سینماگر جوان نیز دلگرمی چندانی برای مخاطب جدی سینما به وجود نمی‌آورد.

شاید مهم‌ترین ویژگی جشنواره امسال را بتوان در حضور پررنگ سازمان‌ها و نهادها در تولید آثار موسوم به «فیلم‌های ارگانی» دانست که بدون هیچ دغدغه‌ای نسبت به هزینه‌های روزافزونی تولید و نگارانی از کمبود بودجه، اقدام به تولید آثاری کردند که تنها نتیجه‌اش افسوس مخاطب از تلف‌شدن ایده‌هایی است که در دستان یک فیلم‌ساز و تولیدکننده باوسواس و آشنا به سینما، می‌توانست آثار به‌یادماندنی و ماندگاری را به تاریخ سینمای ایران اضافه کند. درست است که پول و تأمین بودجه لازم می‌تواند به هنرمند در تکمیل اثر هنری‌اش کمک کند، اما واقعیت مهم‌تر این است که پول، هرچقدر هم که به میزان زیادی در دسترس باشد، توانایی خلق یک هنرمند و فیلم‌ساز اهل ذوق و قریحه را ندارد. تروکازهای سینمایی هم تا یک جایی می‌تواند ضعف‌های فیلم‌ساز را پوشانده و حواس تماشاگر را از درام و داستان به سمت دیگری پرت کند.

ظاهرا شرایط بحران‌زده سینمای ایران، بسیاری از کارگردانان تازه‌کار و فیلم‌سازان درجه‌سه را به این نتیجه رسانده که با رفتن سراغ زندگی‌نامه مفاخری که در زمینه‌هایی همچون دفاع مقدس، امنیت، هنر و… به شهرت رسیده‌اند، به آسانی می‌توانند ضمن برخورداری از حمایت مالی و تبلیغاتی دولت و دیگر سازمان‌ها، از کنجکاوی عمومی که در سطح جامعه نسبت به شناختن این مفاخر وجود دارد، نیز استفاده کرده و برای خود اعتباری کسب کنند.

اخبار برگزیده

بزرگداشت ۳ هنرمند پیش‌کسوت در جشنواره موسیقی فجر

بزرگداشت سه هنرمند پیش‌کسوت فضل‌الله توکل، درویش‌رضا منظمی و همایون رحیمیان در آیین پایانی سی‌ونهمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر برگزار خواهد شد.

بزرگداشت فضل‌الله توکل (آهنگ‌ساز و نوازنده سنتور)، درویش‌رضا منظمی (آهنگ‌ساز، نوازنده و مدرس ساز کمانچه و ویلن) و همایون رحیمیان (موسیقی‌دان، نوازنده و رهبر ارکستر) در آیین پایانی جشنواره موسیقی فجر برگزار می‌شود.

فضل‌الله توکل، آهنگ‌ساز و نوازنده سنتور و شاعر متولد ۱۴ آبان ۱۳۲۱ در تهران است. او که از شاگردان علی تجویدی و حسین یاحقی است، در ارکسترهایی همچون ارکستر رادیو و ارکستر «کله‌ها» به نوازندگی پرداخته است و اجراهای متعدد تک‌نوازی در برنامه‌های یک شاخه گل، گل‌های رنگارنگ، برگ سبز و گل‌های جاویدان داشته است. هم‌نوازی‌های سنتور و ویلن فضل‌الله توکل با پرویز یاحقی و اسدالله ملک نقش مهمی در گسترش هم‌نوازی این سازها در موسیقی معاصر ایران داشته است. فضل‌الله توکل آثار متعددی را با صدای اکبر کلیپاکئی ضبط و منتشر کرده است که ازجمله آنها می‌توان به قهر و ناز، مست عشق و عقیق اشاره کرد.

در سال‌های اخیر مجموعه «عمری عاشقانه نوشتیم» و «عمری عاشقانه نواختم» نیز در قالب کتاب و آلبوم موسیقی به سرپرستی فضل‌الله توکل روانه بازار شده است. فضل‌الله توکل مدرک درجه‌یک هنری از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دارد.

درویش‌رضا منظمی، آهنگ‌ساز، نوازنده و مدرس ساز کمانچه و ویلن و از شاگردان حسین یاحقی است. منظمی یادگیری کمانچه را ابتدا به‌صورت خودآموز و سپس نزد استادانی همچون حسین یاحقی و و علی‌اصغر بهاری فراگرفت و پس از قبولی در دانشکده هنرهای زیبا دانشگاه تهران، مبانی موسیقی دستگاهی را نزد نورعلی برومند و داریوش صفوت آموخت. آشنایی و همکاری درویش‌رضا منظمی با محمدرضا لطفی در شکل‌گیری گروه شیدا و اجرای متعددی همچون چهره به چهره در دهه ۵۰ نقشی اساسی داشت. بازگشت منظمی در اوایل دهه ۶۰ به خرم‌آباد باعث گسترش آموزش کمانچه در این شهر شد و سپس در دهه ۷۰ با دعوت دانشکده هنرهای زیبا، منظمی پس از دریافت مدرک کارشناسی ارشد به عضویت هیئت علمی دانشگاه تهران درآمد. آلبوم‌هایی همچون در خیال و مقام صبر حاصل همکاری‌های او در دهه ۷۰ با محمدرضا شجریان و پرویز مشکاتیان است. انتشار آلبوم‌های تک‌نوازی کمانچه، معاونت آموزشی دانشکده هنرهای زیبا، ریاست این دانشکده و عضویت در شورای عالی شعر و موسیقی صداوسیما ازجمله تجارب حرفه‌ای منظمی است.

همایون رحیمیان، موسیقی‌دان، نوازنده و رهبر ارکستر است. رحیمیان ویلن را از ۱۰سالگی نزد واهه خوجابان آغاز کرد و سپس از هنرستان عالی موسیقی فارغ‌التحصیل شد. او نزد استادانی همچون فریدون ناصری، مصطفی‌کمال پورترباد، حسین ناصحی و مرتضی حنانه کار کرده و در سال‌های جوانی در ارکستر مجلسی رادیو و تلویزیون و ارکستر سمفونیک هلند به نوازندگی پرداخته است.



کنسرت مایستری، ارکستر سمفونیک صداوسیما و ارکستر سمفونیک تهران و همچنین ارکستر ملی، عضویت ارشد در شورای کارشناسی واحد موسیقی و شورای عالی موسیقی سازمان صداوسیما، آهنگ‌سازی بیش از صد قطعه موسیقی شامل قطعات مارش و نظامی، تدریس در دانشگاه هنر و هنرستان موسیقی دختران و هنرستان صداوسیما بخشی از کارنامه حرفه‌ای اوست.

رحیمیان دارای مدرک درجه‌یک هنری است و بیش از پنج آلبوم موسیقی و صدها ترانه را با صدای خوانندگانی همچون حسام‌الدین سراج، بیژن خاوری، مهرداد کاظمی و محمد معتمدی آهنگ‌سازی و تنظیم کرده است. رحیمیان هم‌اکنون رهبر دائم ارکستر ملی ایران است.

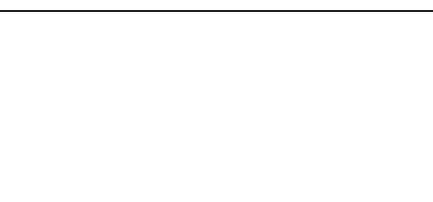
سی‌ونهمین جشنواره بین‌المللی موسیقی فجر به همت دفتر موسیقی معاونت امور هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، توسط انجمن موسیقی ایران با همکاری بنیاد رودکی به دبیری رضا مهدوی از ۲۳ تا ۲۸ بهمن امسال در بخش‌های رقابتی (جایزه باربد) و غیررقابتی هم‌زمان در تهران و استان‌های دیگر برگزار می‌شود و جایزه ترانه، جایزه موسیقی و رسانه، بخش سرود و نشست‌های پژوهشی برنامه‌های دیگر این دوره از جشنواره خواهد بود.

نمایش مستند خسرو سینیایی در موزه سینما

مستند «مرثیه گمشده» ساخته زنده‌یاد خسرو سینیایی در موزه سینما نمایش داده می‌شود.

به گزارش ایسنا، در ادامه نمایش‌های ویژه فیلم‌های مستند در موزه سینما تحت عنوان «شب‌های مستند»، با مشارکت انجمن صنفی تهیه‌کنندگان سینمای مستند، فیلم «مرثیه گمشده» بر روی پرده سالن فردوس موزه سینما می‌رود.

در ششمین نشست شب‌های مستند که روز سه‌شنبه ۲۴ بهمن ساعت ۱۷ برگزار می‌شود، علی لقمانی، مستندساز و فیلم‌بردار پیش‌کسوت سینما، درباره فیلم صحبت خواهد کرد. این مستند درباره مهاجرت لهستانی‌ها به ایران در سال‌های جنگ جهانی دوم است.



پیداکردن یک نیروی نفوذی اطلاعات ایران در دل ارتش داعش را روایت می‌کند که اصلا مشخص نیست در سکانس انتهایی چرا همه آنها برای فرار از چیزی نامعلوم دل به بیابان می‌زنند!

«احمد» ساخته امیرعباس ربیعی نیز با آن رویکرد تصنعی‌اش به زلزله بم (او همه فاجعه را در استفاده از تعداد بالای هنرورهایی خلاصه کرده که قرار است با صورت‌های زخمی و آه و ناله فراوان، اشک تماشاگر را سرازیر کنند) نه می‌تواند جلوه‌ای از مدیریت جهادی و مؤثر شهید حاج احمد کاظمی را به تماشاگر نشان دهد و نه می‌تواند از دل کشمکش او با نیروهای دولتی، دست به خلق درامی هیجان‌انگیز در حد و اندازه‌های فاجعه زلزله هولناک بم بزند.

از سوی دیگر، فیلمی همچون «صبحانه با زرافه‌ها» جدیدترین ساخته سروش صحت که قرار بوده با ترسیم فضایی جدید، تماشای نوعی از کمدی ایزورد را به مخاطب پیشنهاد دهد، در سایه استفاده بیش از حد از شوخی‌های جنسی و رفتارهای کف خیابانی، به درامی فریبنده تبدیل شده که همه شخصیت‌هایش با رفتار و گفتاری مشابه، عملا حکم یک شخصیت ثابت را در فیلم پیدا می‌کنند (آیا میان کاراکتر بهرام رادان، هوتن شکیبا، هادی حجازی‌فر و بیژن بنفشه‌خواه تفاوت خاصی می‌بینید؟ آنها همه یک شخصیت با گویش‌های مشابه هستند که فقط قرار است بار نمک فیلم را گاه با طنز و گاه با حرف‌های فلسفی به دوش بکشند، بدون آنکه موفق شوند تماشاگر را به دریافت بزرگ‌تری نسبت به ابتدای فیلم رسانده باشند).

شاید بتوان تنها فیلم قابل تحمل امسال جشنواره را «پرویزخان» اولین ساخته بلند سینمایی علی ثقفی دانست که در بازنمایی مقطعی از زندگی پرویز دهداری موفق می‌شود یک درام ورزشی را با تمرکز روی شخصیت اصلی و کشمکشی چندسویه که میان او و بازیکنان فوتبال، فدراسیون، نمایندگان مجلس و… وجود دارد، به شکل درگیرکننده‌ای برای مخاطب تصویرسازی کند.

البته جشنواره امسال با همه حواشی و اخبار پرسروصدایش نمی‌تواند چشم‌انداز کاملی از وضعیت سال آینده سینمای ایران به مخاطب ارائه دهد (بسیاری از آثار ارائه‌شده به جشنواره از طرف هیئت انتخاب رد شده‌اند)، اما همین تعداد آثار به نمایش درآمده نیز می‌تواند زنگ خطر را برای کیفیت نازل تولید و اهمیت‌نداندن به یک متن و فیلم‌نامه منسجم برای سینمای ما به صدا درآورد.